

فصلنامه پژوهش‌های نوین دینی، سال اول، شماره دوم، پاییز ۹۹، صفحات ۲۱-۴۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۱۰/۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۶/۱۹

## بررسی چالش میان دو واجب دینی «حفظ صلہ رحم» و «ترک مجلس گناه» با رویکرد اخلاق کاربردی

سمیه السادات موسوی<sup>۱</sup>  
محمد جواد فلاح<sup>۲</sup>

### چکیده

امروزه رواج روزافزون گناه در مهمانی‌ها، یکی از مشکلات مهم اجتماعی در جوامع مسلمان است. این مشکل برای افراد متدین زمانی بیشتر رخ می‌نماید که با وقوع گناه در مجالس اقوام مواجه می‌شوند. از آنجا که پیوند خویشاوندی در فرهنگ ایرانی — اسلامی جایگاه بسیار بالایی دارد ترک مجلس، به راحتی امکان‌پذیر نیست و حتی گاهی منجر به قطع روابط خانوادگی می‌شود. از طرفی، ماندن در مجلس گناه نیز عواقب ناگواری دارد. در چنین موقعیتی فرد متدین به‌عنوان یک فاعل اخلاقی با چالش بزرگی بین حفظ «صله رحم» و «ترک مجلس گناه» مواجه است. پژوهش حاضر در صدد است با روش تحلیلی، راه حلی جهت برون‌رفت از این چالش اخلاقی ارائه دهد. نتایج نشان می‌دهد هرچند، هر دو طرف چالش، ادله درون‌دینی و برون‌دینی محکمی دارند؛ اما به دلیل در نظر نگرفتن همه جوانب، و صدور حکم کلی، ناکارآمد هستند. راه حل پیشنهادی، تحلیل وضعیت و تفصیل حکم است.

**واژگان کلیدی:** تعارض اخلاقی، حفظ صلہ رحم، ترک مجلس گناه، تحلیل وضعیت، تفصیل حکم.

---

۱- دانشجوی دکترای مدرس معارف اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم (نویسنده مسئول)  
smhosna110@gmail.com

۲- دانشیار، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

## طرح مسأله

ران یک جامعه مذهبی با اعتقادات شیعی است و افراد بسیاری خود را ملزم به اطاعت از دستورات شرع مقدس می‌دانند؛ با این وجود، به دلیل تهاجمات فرهنگی گسترده و کم‌کاری‌هایی که در گسترش فرهنگ اسلامی صورت می‌گیرد شاهد پایین آمدن برخی حساسیت‌های دینی و عادی شدن برخی گناهان در سطح جامعه هستیم. یکی از موقعیت‌هایی که این آسیب به وضوح نمایان می‌شود مجالس جشن و مهمانی‌ها است. در سال‌های اخیر با توجه به نفوذ گسترده فرهنگ غرب در جامعه ایران، ارتکاب برخی گناهان، جزئی از برنامه‌های رایج مجالس و مهمانی‌ها شده است؛ برای مثال، پخش موسیقی حرام، رقص، اختلاط زن و مرد و پذیرایی با مشروبات الکلی از جمله گناهانی است که مجالس و مهمانی‌های زیادی به آنها دچار هستند.

با رصد موقعیت‌های افراد نسبت به برگزارکنندگان مجالس گناه، می‌توان چالش‌های اخلاقی را در قالب چند مسئله اصلی به تصویر کشید:

**فرض اول:** مجلس مهمانی از طرف محل کار و با حمایت کارفرما برگزار شده است. مثلاً مهمانان خارجی دعوت شده‌اند و فرد، مسئولیت مهمی در تعامل با ایشان دارد و در مجلس، مشروبات الکلی جزو اقلام پذیرایی است. در این موقعیت، فاعل اخلاقیه عنوان یک مسلمان، موظف به ترک مجلس شراب است در حالی که نرفتن به مهمانی، موقعیت شغلی او را به خطر می‌اندازد.

**فرض دوم:** فرد از طرف دوستان خود به یک مهمانی دعوت می‌شود که یقین دارد در آن گناه رخ می‌دهد؛ ولی نرفتن او باعث از دست دادن دوستان یا سرخوردگی آن‌ها می‌شود.

**فرض سوم:** فرد به مجلس گناهی دعوت می‌شود که از جانب همسایگان برگزار شده است و حاضر نشدن در این مهمانی باعث بروز مشکلاتی در محل زندگی و در میان همسایگان می‌شود.

**فرض چهارم:** وضعیتی که بیشترین احتمال وقوع را برای اغلب افراد دارد و بی‌توجهی به آن تبعات سنگینی در زندگی شخصی آنها بر جای می‌گذارد، برگزاری مجلس از طرف خویشاوندان است. چرا که در فرهنگ ایرانی شرکت در مجالس اقوام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و گاهی شانه خالی کردن از زیر بار آن، پیامدهایی در حد قطع روابط خانوادگی در پی خواهد داشت. علاوه بر آن، دین مبین اسلام نیز تأکید شدیدی بر حفظ صلح‌رحم دارد.

هر یک از وضعیت‌های مطرح شده فوق، بیانگر یک چالش و دوراهی اخلاقی است که در مواجهه با مجلس گناه برای فرد ایجاد می‌شود. به این صورت که باید بین حفظ موقعیت خود نسبت به برگزارکنندگان مجلس و ترک مجلس باید یکی را انتخاب کند. این مقاله بر آن است به دلایلا اهمیت و گستردگی روابط خانوادگی در جامعه ایران و سفارشات زیادی که اسلام به حفظ صلہ رحم دارد از میان مفروضات مطروحه فوق الذکر، به بررسی چالشی بپردازد که هنگام برگزاری مجلس گناه توسط اقوام پیش می‌آید. باید توجه داشت هرچند در مورد این مسئله احکام و استفتائات فقهی نیز وجود دارد؛ اما در این مقاله قرار است مسأله از جنبه اخلاقی بررسی می‌شود. بنابراین سوال اصلی آن است که وظیفه اخلاقی فرد در مواجهه با مجلس گناهی که از جانب اقوام برگزار می‌شود چیست؟ آیا باید از قطع روابط فامیلی، حتی به قیمت شرکت در مجلس گناه جلوگیری کند؟ یا این که باید از مجلس گناه به هر نحوی پرهیز کند؛ حتی اگر روابط خانوادگی از بین برود. در بررسی این چالش، سه دیدگاه قابل فرض است؛ اول، ترجیح حفظ صلہ رحم بر ترک مجلس گناه، دوم؛ ترجیح ترک مجلس گناه بر حفظ صلہ رحم و سوم، تحلیل وضعیت و ارائه راهکار متناسب با هر موقعیت.

رویکرد این نوشتار در مواجهه با مسئله حاضر، رویکرد اسلامی است؛ یعنی در بررسی جنبه‌های مختلف این مسئله، موازین اسلام را پیش‌فرض می‌گیرد و دستیابی به راه حل‌های اخلاقی بر طبق دستورات دین دنبال می‌شود. بررسی مسئله با روش تحلیلی انجام می‌شود. فرض بر آن است که هر یک از جنبه‌های اخلاقی این چالش، یعنی حفظ صلہ رحم و ترک مجلس گناه، دارای الزامات شدید اخلاقی و شرعی هستند؛ ولی می‌توان به راه حلی دست یافت که بدون حذف کامل هر کدام از آنها، حکم اخلاقی مناسب را به دست آورد.

مراد از صلہ رحم، ارتباط با خویشاوندان است. هرچند خویشاوندان در عرف جوامع انسانی، دایره‌ای وسیع‌تر از پیوندهای زیستی دارد و خویشاوندی سببی و حتی آیینی و ساختگی را هم در بر می‌گیرد؛ (جکسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵: ۱۲) اما در این مقاله تعریف ما از خویشاوندان، بر اساس محدوده‌ای است که اسلام تعیین می‌کند. از دیدگاه اسلام، رحم و خویشاوندان، همان کسانی هستند که به واسطه قرابت و ارتباط فامیلی ارث می‌برند؛ یعنی، فرزندان و نوه‌ها هر چه پائین

بباید و والدین پدری و مادری هر چه بالا رود و عمه‌ها و عموها و خاله‌ها و دایی‌ها و فرزندان آنها و برادران و خواهران و فرزندان آنها. (خمینی (ره)، بی تا: ۳۲۶/۲) بنابراین، آنچه درباره صلہ رحم و احکام آن بیان می‌شود معطوف به خویشاوندان نسبی است.

مراد از مجلس گناه در این مقاله، حضور جمعی از افراد در کنار هم و وقوع معصیت و نافرمانی خدا در میان ایشان است. در رساله‌های فقهی از این گونه مجالس به مجالس لهو و لعب یاد می‌شود و تشخیص تحقق آن با عرف متشرع و متدین است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۲۳۱؛ بهجت ۱۳۸۶: ۵۲۰)

خاطر نشان می‌سازد از چالشی که فاعل اخلاقی در مورد انجام هم‌زمان دو عمل اخلاقی با آن مواجه است به «تعارض اخلاقی» تعبیر می‌شود. مراد از تعارض اخلاقی موقعیتی است که در آن فرد خود را بر سر دوراهی می‌یابد؛ گویی راه سوم وجود ندارد و انتخاب هر یک از آن دو به نحوی خلاف اخلاق می‌نماید. (بوسلیکی، ۱۳۹۱: ۲۱) همین معنا در گفتمان فقهی - اصولی با تعبیر «تزامم احکام» مشاهده می‌شود. تزامم احکام زمانی است که مکلف در مقام انجام تکلیف با دو حکم شرعی مواجه است که نمی‌تواند هر دو را هم‌زمان انجام دهد. (نائینی، ۱۴۱۷ق: ۳۱۷/۱؛ صدر، ۱۴۱۷ق: ۲۶/۷) بدین ترتیب، اصطلاح تعارض در این مقاله، معادل معنای تزامم در علم اصول است نه معادل معنای تعارض در این علم. به عبارتی، دو اصطلاح تعارض اخلاقی و تزامم فقهی را می‌توان مترادف یکدیگر دانست.

### پیشینه

در بررسی پیشینه، با دو دسته از منابع مواجه هستیم. یک دسته عبارتند از: آیات قرآن کریم و منابع روایی، فقهی و اخلاقی که به صورت کلی به مباحث صلہ رحم و مجالس گناه پرداخته‌اند و می‌توانند به عنوان پیشینه عام پژوهش محسوب شوند و دسته دیگر، کتاب‌ها و مقالاتی که به جنبه‌های باز مسئله پرداخته و پیشینه خاص آن را شکل می‌دهند.

در میان کتبی که به طور ویژه بر مسئله صلہ رحم تمرکز کرده‌اند می‌توان به این موارد اشاره کرد: کتاب «صلہ ارحام در اسلام»؛ محمود ارگانی حائری (۱۳۷۶)، کتاب «تحلیل اجتماعی

از صلہ رحم»؛ حسین شرفالدین (۱۳۸۶)، کتاب «بررسی فقهی صلہ رحم و قطع آن»؛ سیدمحمد رضا واحدی (۱۳۹۲). رویکرد غالب در این منابع، پرداختن به اهمیت صلہ رحم و بیان آثار و فواید آن و تذکر در مورد عواقب سنگین قطع رحم است. در این میان آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته بررسی چالش‌هایی است که در روابط خویشاوندی ممکن است پیش آید. در بین مقالات مواردی یافت می‌شود که به مسائلی در حوزه صلہ رحم پرداخته‌اند؛ از جمله: مقاله «پرهیز شدید از گواهی دروغ و شرکت در مجلس گناه» اثر محمد محمدی اشتهاردی (۱۳۷۹) و مقاله «آثار صلہ رحم از دیدگاه اسلام و روانشناسی و کاربردهای تربیتی آن» اثر دکتر باقر غباری بناب، دکتر علی‌نقی فقیهی و یدالله قاسمی‌پور (۱۳۸۶). در این مقالات نیز فقط به یک جنبه، یعنی یا حفظ صلہ رحم یا ترک مجلس گناه توجه شده و برچالش‌هایی که فاعل اخلاقی ممکن است در تعارض این دو روبرو شود تمرکز نشده است. از طرفی رویکرد مقالات در بررسی صلہ رحم اغلب، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و تربیتی است. مقاله حاضر بنا دارد این مسئله را با رویکرد اخلاق کاربردی ارزیابی کند.

## ۲. دیدگاه اول: ترجیح حفظ صلہ رحم بر ترک مجلس گناه

در طرح مسئله بیان شد که یکی از دیدگاه‌های مفروض در تعارض بین حفظ صلہ رحم و ترک مجلس گناه، آن است که صلہ رحم به هر نحوی حفظ شود؛ حتی اگر مجبور به شرکت در مجلس گناه باشیم. در این قسمت برآنیم تا ادله این دیدگاه را تبیین و بررسی کنیم. از میان ادله مطرح شده برای دیدگاه اول، به بررسی دو دلیل اصلی می‌پردازیم که عبارتند از: استدلال با رویکرد درون‌دینی و استدلال با رویکرد برون‌دینی.

### ۲-۱. استدلال درون‌دینی

این استدلال بیانگر آن است که بر اساس آموزه‌های دین، اعم از آیات، روایات و فتوای فقها، قطع رحم از گناهان کبیره و یکی از مصادیق زیر پا گذاشتن دستورات دین است. از آنجا که رفتار کردن بر خلاف دستورات دین از نظر اخلاق بندگی کار نادرستی است؛ پس قطع رحم اخلاقاً خطاست. بر اساس این نتیجه، در تعارض صلہ رحم با هر مسئله دیگری، از جمله شرکت در مجلس

گناه، حفظ صلہ رحم اولویت دارد و در نهایت باید تصمیمی گرفت که منجر به قطع رحم نشود. صورت استدلال چنین است:

**مقدمه اول:** قطع روابط خویشاوندی، بر خلاف دستورات دین است.

**مقدمه دوم:** عمل کردن بر خلاف دستورات دین اخلاقاً خطاست.

**نتیجه:** قطع روابط خویشاوندی اخلاقاً خطاست.

### تبیین استدلال

صلہ رحم از جمله موضوعاتی است که دیدگاه اسلام در خصوص آن، به صراحت در آیات و روایات منعکس شده است. با نگاه به آموزه‌های دین می‌توان حساسیت شرع مقدس را برای حفظ ارتباط خویشاوندی و نهی شدید از قطع آن به دست آورد. با توجه به اهمیت مسئله، کتاب‌های روایی ابوابی به این موضوع اختصاص یافته است. برای مثال، در جلد دوم کتاب شریف **الکافی**، بابی در رابطه با صلہ رحم وجود دارد که ۳۳ حدیث درباره روابط خویشاوندی در آن یافت می‌شود. در همان کتاب، بابی تحت عنوان «باب قطیعة الرحم» وجود دارد که به نقل هشت حدیث در مذمت قطع رحم و پیامدهای سنگین آن پرداخته است. همچنین، در جلد ۷۱ کتاب **بحار الانوار** در بابی که به صلہ رحم اختصاص یافته ۱۱۰ حدیث در اهمیت و فواید صلہ رحم و نهی از قطع رحم نقل شده است.

از میان انبوه آیات و روایاتی که نشان‌دهنده نهی شدید دین از قطع رحم است در ادامه به برخی موارد اشاره می‌شود. روایتی از امام **سجاد علیه السلام** نقل شده است که به فرزند بزرگوارش امام **باقر علیه السلام** فرمود: «پرهیز از همنشینی با قطع کننده رحم؛ زیرا در سه جای قرآن او را مورد لعنت یافتیم». سپس حضرت آیات محمد/۲۳ و ۲۲، رعد/۲۵ و بقره/۲۷ را تلاوت فرمود. (کلینی، ۱۴۰۷، ق: ۳۷۷/۲)

در روایتی از **جهم بن حُمید بن حَمَید** نیز نقل شده است که از امام صادق علیه السلام پرسید: «کسانی با من قرابت رحمی دارند؛ ولی با من هم عقیده (در دین) نیستند؛ آیا برای ایشان حقی بر عهده من است؟» حضرت فرمود: «بلی! حق خویشاوندی را چیزی قطع نمی‌کند و اگر آنان بر دین تو

باشند دو حق پیدا می‌کنند؛ یکی حق خویشاوندی و دیگری حق اسلام». (همان: ۱۵۷/۲) در این روایت به صراحت بیان شده است که حق خویشاوندی را چیزی قطع نمی‌کند.

در فتاویٰ فقها نیز این تصریح آشکار به چشم می‌خورد. در ادامه، جهت رعایت اختصار به ذکر دو نمونه اکتفا می‌شود. در استفتائی از مجتهد فقید، آیت‌الله بهجت (ره)، آمده است: «در چه صورتی قطع رحم جایز است؟» ایشان در پاسخ فرموده است: «تا وقتی که مسلمان هستند، قطع به طور کلی جایز نیست.» (بهجت، ۱۴۲۸ ق: ۱۳۹/۴) ایشان در این حکم با قید مسلمان بودن خویشاوندان، قطع رحم را به صورت کلی حرام کرده‌اند؛ به این معنا که قطع رحم با خویشاوندان مسلمان به هیچ وجه جایز نیست؛ حتی اگر این اقوام، اهل گناه و معصیت باشند. در اصل، این استفتا دلالت التزامی دارد بر اینکه صلہ رحم با افراد مسلمان، حتی اگر اهل معصیت باشند جایز است و به جهت اخلاقی نیز به بهانه گناهکار بودن اقوام، نمی‌توان صلہ رحم را ترک کرد؛ البته فتوا در رابطه با این فرض که اگر صلہ رحم مستلزم حضور در مجلس گناه باشد ساکت است و از آن، جواز یا عدم جواز حضور در مجلس گناه اقوام به دست نمی‌آید.

در فتوایی از مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مشاهده می‌شود که ایشان به جایز نبودن قطع رحم، حتی با اقوام معصیت‌کار اشاره کرده است. از ایشان سوال شده است: «اگر یکی از اقوام انسان مبادرت به ارتکاب معصیت کند و نسبت به آن لابیالی باشد، تکلیف ما نسبت به رابطه با او چیست؟» ایشان در پاسخ فرموده است: «اگر احتمال بدهید که ترک معاشرت با او موقتاً موجب خودداری او از ارتکاب معصیت می‌شود، به عنوان امر به معروف و نهی از منکر واجب است، و در غیر این صورت، قطع رحم جایز نیست.» (خامنه‌ای، ۱۴۲۴ ق: ۲۳۰) بیان ایشان دلالت دارد که حتی اگر خویشاوندان اهل معصیت باشند باز هم قطع رحم جایز نیست؛ مگر این که احتمال تأثیر برای ترک گناه وجود داشته باشد. پس، اگر احتمال تأثیر با قطع رحم وجود نداشت همچنان باید صلہ رحم با اقوام گناهکار حفظ شود. (باید در نظر داشت این دو فتوا هرچند در خصوص حضور در مجلس گناه اقوام نیست؛ اما جایگاه مسئله صلہ رحم و اهمیت حفظ آن را در گفتمان فقهی نشان می‌دهد.)

با توجه به مجموع آن چه بیان شد، از آیات و روایات و فتوای فقها چنین به دست می‌آید که قطع رحم با خویشاوندان مسلمان در هر شرایطی حرام است. از طرفی، بر اساس اخلاق بندگی، زیر پا گذاشتن دستورات الهی یک امر غیر اخلاقی است. بنابراین، قطع رحم که توسط دین نهی

شده است در هر شرایطی یک امر غیراخلاقی به شمار می‌رود. لازمه این استدلال آن است که از نظر اخلاقی در تعارض میان حفظ صلہ رحم و ترک مجلس گناه، به دلیل اهمیت صلہ رحم بر اساس دلایلی که بیان شد، حفظ آن بر ترک مجلس گناه ترجیح یابد. بنابراین، طبق این دیدگاه اگر مجلس گناهی از سوی اقوام برگزار شد که ترک آن موجب قطع روابط خویشاوندی می‌شود نباید آن مجلس را ترک کرد.

## ۲-۲. استدلال برون دینی

در این استدلال، از طریق ادله جامعه‌شناختی و روان‌شناختی چنین به دست می‌آید که قطع رحم به ضرر انسان است. بر اساس اخلاق فردی، اگر انسان کاری کند که به خود ضرر برساند عمل نادرستی انجام داده است. بنابراین، ثابت شده است قطع رحم از نظر علمی، ثابت به ضرر انسان است بنابراین اخلاقاً خطا و نادرست است. صورت استدلال چنین است:

مقدمه اول: قطع رحم از نظر علم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، به ضرر انسان است.

مقدمه دوم: انجام آنچه به ضرر انسان است اخلاقاً خطاست.

نتیجه: قطع رحم اخلاقاً خطاست.

## تبیین استدلال

برخورداری از بهداشت و سلامت روان از ویژگی‌های انسان سالم بوده و برای دستیابی به آن اصول مختلفی مطرح است. در این میان، پژوهش‌های علمی به ویژه علم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی با اطمینان اعلام می‌دارند که از عوامل مهمی که سبب ارتقای سطح سلامت روانی و حتی جسمانی افراد در طول زندگی می‌شود برقراری روابط صمیمانه با خویشاوندان و بهره‌مندی از محبت و حمایت آنها است. (ر.ک: درس‌رآ، ۱۹۸۵: ۴۸-۳۹؛ باساک<sup>۳</sup> و دیگران، ۲۰۰۲: ۴۹-۳۹؛ هال<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷: ۳۰-۴)

- 
2. Escalas
  3. Bassuk
  4. Hall



برون‌ریزی عاطفی و ابراز احساسات درونی، از جمله راه‌های تسکین مشکلات روانی است و از بین نهادهای اجتماعی، این محیط خانواده است که فرد در آن می‌تواند به سادگی فشارها و عقده‌های وارده بر خود را ابراز نماید. برقراری روابط خویشاوندی باعث می‌شود افراد، خود را در شبکه وسیعی از حمایت اجتماعی ببینند و عواطف خود را نسبت به هم اظهار کنند. (دیماثو، ۱۳۷۸: ۷۶۶)

برخی از آثار و کارکردهای صلہ رحم در تأمین نیازهای روان‌شناختی و اجتماعی اعضای خانواده و کارآمدی آن عبارتند از: تأمین نیاز به محبت، تعلق به گروه (خانواده گسترده)، بیان و ابراز خود، رعایت هنجارهای خانوادگی و اجتماعی و تسهیل فرایند جامعه‌پذیری، دستیابی به حمایت اجتماعی خویشاوندان، آرامش روانی، امنیت خاطر و افزایش تعامل عاطفی و رفع فقر. (صفوراپی پاریزی، ۱۳۸۸: ۱۵۷)

از آن چه بیان شد نتیجه‌گیری می‌شود بر اساس یافته‌های علمی، صلہ رحم آثار مفید قابل توجهی در بهبود زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد، تا حدی که نمی‌توان به راحتی از آن چشم پوشید. بنابراین، به هر نحوی باید از قطع رحم پرهیز کرد؛ چرا که علم آن را برای سلامت فرد و جامعه ضروری می‌داند. لازمه این مطلب آن است که در شرایط تعارض بین حفظ صلہ رحم و ترک مجلس گناه، بنا به دلایلی که ذکر شد حفظ صلہ رحم ترجیح یابد.

### ۳. دیدگاه دوم: ترجیح ترک مجلس گناه بر حفظ صلہ رحم

دیدگاه دیگری که در تعارض میان حفظ صلہ رحم و ترک مجلس گناه قابل فرض است، دیدگاهی است که بنا را بر ترجیح ترک مجلس گناه می‌گذارد. به این معنا که حضور در مجلس گناه به هیچ وجه نباید اتفاق بیفتد؛ حتی اگر منجر به قطع روابط خویشاوندی شود. برای این دیدگاه نیز همانند دیدگاه اول، استدلال‌هایی با رویکرد درون‌دینی و برون‌دینی مطرح است.

#### ۳-۱. استدلال درون‌دینی

این استدلال با تکیه بر آیات و روایات و فتوای فقها بیان می‌دارد که در دین اسلام حضور در مجلس گناه به شدت مورد نهی است و بر اساس اخلاق بندگی باید از دستورات دین پیروی

شود. بنابراین، حضور در مجلس گناه از نظر اخلاقی کار نادرستی است و باید از آن پرهیز کرد. نتیجه استدلال آن است که در تعارض میان حفظ صلح‌رحم و ترک مجلس گناه، ترک مجلس گناه ترجیح می‌یابد. صورت استدلال چنین است:

مقدمه اول: حضور در مجلس گناه، بر خلاف دستورات دین است.

مقدمه دوم: عمل کردن بر خلاف دستورات دین اخلاقاً خطاست.

نتیجه: حضور در مجلس گناه اخلاقاً خطاست.

### تبیین استدلال

در قرآن مجید، در آیات متعددی از شرکت در مجالس گناه نهی شده است؛ از جمله: «وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يَكْفُرُ بِهَا وَيَسْتَهْزِأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا»؛ (نساء/۱۴۰) «خداوند در قرآن (این حکم را) بر شما فرستاده که هنگامی که بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می‌نمایند با آنها ننشینید تا به سخن دیگری بپردازند، زیرا در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود، خداوند منافقان و کافران را همگی در دوزخ جمع می‌کند». در آیه دیگری آمده است: «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ»؛ (انعام/۶۸) «هر وقت کسانی را که آیات ما را استهزاء می‌کنند مشاهده نمائی از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند و اگر شیطان از یاد تو ببرد، به محض توجه پیدا کردن، با (این) جمعیت ستمگر منشین». آیات فوق نشان‌دهنده آن هستند که حضور در مجالس گناه، حتی اگر فرد شخصاً مرتکب گناه نشود حرام است.

«گناهان همانند مناطق ممنوع هستند که ورود به آن برای افراد حرام است؛ ولی خداوند بزرگ برای صیانت افراد از ارتکاب گناه، حریمی برای آن قائل شده است و آن، همان شرکت در مجالس گناه است. شرکت در این مجالس به منزله شکستن «قرق» و نزدیکی به خود گناه تلقی می‌شود. فردی که وارد مجلس گناه شود در یک قدمی گناه قرار می‌گیرد و به زودی دست خود را به گناه آلوده می‌سازد؛ لذا اسلام می‌گوید: «نه تنها خود را به گناه آلوده مکن؛ بلکه خود را در نزدیکی و آستانه گناه قرار مده»؛ چرا که خواه ناخواه به سمت آن کشیده می‌شود». (ر.ک:

سبحانی، ۱۳۹۰: ۲۸۵) این سخن بر اساس حدیثی از پیامبر گرامی (ص) است که می‌فرماید: «إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمِّيٍّ وَحِمِّيَّ اللَّهِ مَخَارِمُهُ فَمَنْ رَتَعَ حَوْلَ الْحِمِّيِّ أَوْشَكَ أَنْ يَقَعَ فِيهِ؛» برای هر حاکمی قرقگاهی است و قرقگاه خداوند محرمات الهی است؛ هر کس به این قرقگاه نزدیک شود در شرف ورود به آن قرار می‌گیرد». (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۸۱)

در احادیث متعددی نهی شدید از حضور در مجالس گناه مشاهده می‌شود؛ برای مثال، در حدیثی از امام سجاد علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: «إِيَّاكُمْ وَصَحْبَةَ الْعَاصِينَ وَ مَعُونَةَ الظَّالِمِينَ وَ مَجَاوِرَةَ الْفَاسِقِينَ. إِحْذَرُوا فِتْنَتَهُمْ وَ تَبَاعَدُوا مِنْ سَاحَتِهِمْ؛» از همنشینی با گنهکاران و یاری ظالمان و هم‌جواری با بدکاران بپرهیزید. از فتنه آنان برحذر باشید و از اطرافشان دور شوید». (کلینی، ۴۰۷ق: ۱۶/۸) همچنین در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يَعْصِي اللَّهُ فِيهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ؛» سزاوار نیست برای مؤمن در مجلسی بنشیند که در آن معصیت خدای شود و او نمی‌تواند آن وضع را تغییر دهد». (همان: ۳۷۴/۲)

در فتوای فقها نیز اهتمام به پرهیز از حضور در مجالس گناه به خوبی مشهود است. از آنجا که نقل فتوای همه مراجع در این مجال نمی‌گنجد همانند دیدگاه قبل تنها به نقل نظرات آیت‌الله بهجت (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این زمینه اکتفا می‌کنیم.

در کتاب **استفتائات آیت‌الله بهجت (ره)** در بخش «احکام موضوعات متفرقه»، استفتائاتی در مورد مجالس شادی همراه با گناه آمده است. (بهجت، ۱۴۲۸ق: ۵۳۶/۴ و ۵۳۷) از مجموع پاسخ‌ها در این زمینه به دست می‌آید که ماندن در مجلس گناه به هیچ‌وجه جایز نیست؛ مگر ترک آن خطر جانی، مالی و آبرویی داشته باشد. همچنین اگر فرد با ماندن و امر به معروف بتواند مانع از ارتکاب گناه شود ترک مجلس برایش جایز نیست. شاید بتوان بین استفتائی که در استدلال‌های موافقان صلہ رحم از ایشان آورده شد و این استفتا بدین گونه جمع کرد که استفتای قبل، ناظر به اصل عدم ترک رحم بود و این استفتا بر اصل ترک مجلس گناه استوار است و این دو قابل جمع با یکدیگرند. از این جهت این فقیه ارجمند به هر دو اصل توجه داشته و آنها را به جهت مصالحی چون حفظ آبرو یا حفظ جان، قابل استثنا می‌داند. در کتاب **اجوبه الاستفتائات** مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز بخشی تحت عنوان «حضور در مجلس معصیت» وجود دارد که به هفت استفتاء در این زمینه پاسخ داده شده است. (خامنه‌ای،

۱۴۲۴ق: ۳۱۹ و ۳۱۸) از مجموع پاسخ‌ها بر می‌آید که شرکت در مجلس گناه اگر مستلزم ارتکاب حرام باشد یا تأیید گناه محسوب شود به هیچ‌وجه جایز نیست. در نهایت، با توجه به ادله ذکر شده از آیات و روایات و فتوای فقها روشن شد که از دیدگاه دین اسلام حضور در مجلس گناه به طور قطع حرام است. از سوی دیگر، بر اساس اخلاق بندگی سرپیچی از دستورات دین کار نادرستی است؛ بنابراین، شرکت در مجلس گناه، اخلاقاً کار نادرستی است. با در نظر گرفتن این استدلال، در تعارض میان حفظ صلح‌رحم و ترک مجلس گناه وظیفه اخلاقی فرد آن است که مجلس گناه را ترک کند؛ هرچند منجر به قطع روابط خویشاوندی شود.

### ۲-۳. استدلال برون‌دینی

تکیه این استدلال بر آن دسته از پژوهش‌های علمی است که نشان می‌دهد افراد از گروه‌های اجتماعی که جایگاه قابل توجهی نزد ایشان دارند تأثیر زیادی می‌پذیرند. حال اگر این گروه‌ها دارای انحرافات فکری، اخلاقی و رفتاری باشند احتمال به انحراف کشیدن فرد افزایش می‌یابد. بنابراین، شرکت در مجالس گناه به ویژه اگر از جانب اقوام برگزار شود به دلیل تأثیر مخربی که دارد باعث ضرر به زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌شود. بر اساس اخلاق فردی، اگر انسان کاری کند که به خود ضرر برساند عمل نادرستی انجام داده است. بنابراین، حضور در مجلس گناه که از نظر علمی، ثابت شده به ضرر انسان است اخلاقاً خطا و نادرست است. صورت استدلال چنین است:

مقدمه اول: حضور در مجلس گناه از نظر علمی، به ضرر انسان است.

مقدمه دوم: انجام آنچه به ضرر انسان است اخلاقاً خطاست.

نتیجه: حضور در مجلس گناه اخلاقاً خطاست.

### تبیین استدلال

یکی از عوامل محیطی که بر شکل‌گیری رفتار انسان تأثیر زیادی دارد گروه‌های مرجع هستند. «گروه مرجع، به گروه‌ها و مقولاتی اجتماعی اطلاق می‌شود که افراد را در توسعه و رشد

ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و تصورات شخصی خود راهنمایی می‌کنند.» (عضدانلو، ۱۳۹۵: ۵۲۳، به نقل از مرتون، ۱۹۶۰) با توجه به این تعریف، یک نکته در مورد گروه‌های مرجع بسیار حائز اهمیت است و آن، قدرت تأثیرگذاری بالای آنها در نوع فکر، احساس و عمل افراد است. (ر.ک: کمپر<sup>۵</sup>، ۱۹۶۸: ۳۱ - ۴۵؛ تری و هاگ<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶: ۷۷۶ - ۷۹۳؛ اسکالاس و بتمن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳: ۳۳۹ - ۳۴۸) این تأثیرگذاری، چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی، به قدری است که می‌تواند رویه و سبک زندگی افراد را تعیین کند.

در میان گروه‌های مرجع که می‌توانند همسالان، همکاران و دوستان باشند، گروه خویشاوندان یکی از مهم‌ترین موارد محسوب می‌شود؛ زیرا در جامعه ایران، معمولاً اقوام و خویشاوندان نزد افراد از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. اغلب افراد تمایل دارند مورد تأیید اقوام خود باشند؛ لذا، عقاید، احساسات و رفتارهای خود را همسو با نظر غالب خویشاوندان جهت می‌دهند. همان‌طور که اشاره شد این فرایند تنها در جهت مثبت نبوده و تأثیرات نامطلوب دیگر نیز به تبع آن به همین شدت اتفاق می‌افتد.

نتایج تحقیقات علمی نیز نشان می‌دهد معاشرت با اقوامی که دارای رفتارهای ناهنجار هستند تأثیر بسزایی در انحراف رفتاری افراد دارد. عدل و همکاران (۱۳۸۳) در بررسی میزان تأثیر معاشرت با گروه هنجارشکن، به مطالعه گروهی از معتادان مذکر زیر ۲۵ سال در شهر تهران پرداختند. از جمله مسائل قابل توجه در این پژوهش آن بود که ۶۰ درصد از گروه مورد مطالعه، دارای اقوام معتاد بودند. نتایج پژوهش تأکید داشت که با توجه به عمق و گستردگی روابط فامیلی در فرهنگ ایرانی، معاشرت مستمر با اقوامی که رفتارهای هنجارشکن دارند درصد بروز رفتار ناهنجار را در افراد افزایش می‌دهد (عدل و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۹۸).

بنا بر آنچه بیان شد، یافته‌های علمی تأیید می‌کنند که معاشرت با اقوام معصیت‌کار، چون احتمال بروز گناه را در فرد بالا می‌برد صحیح نیست. پس، در تعارض میان حفظ صلہ رحم و ترک مجلس گناه، به دلیل خطر تأثیرپذیری از گناهکاران، اولویت با ترک مجلس گناه است؛ به ویژه اگر مجلس گناه از جانب اقوام برپا شده باشد.

---

5. Kemper

6. Terry & Hogg

7. Escalas & Bettman

#### ۴. ارزیابی دیدگاه اول و دوم

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد چالش میان این دو دیدگاه اگر از منظر فقهی مورد توجه قرار گیرد از نوع تزاحم احکام است؛ ولی آنچنان که در بیان مسئله هم ذکر گردید مسئله مقاله حاضر، اخلاقی است و از ادله فقهی به نفع یا علیه طرفین چالش اخلاقی استفاده می‌شود. به بیان دقیق‌تر، در این مسئله فاعل اخلاقی در مقام عمل، نمی‌تواند بین هر دو حکم جمع کند و فقط قادر به انجام یکی از آنهاست. قاعده‌ای که در علم اصول، برای رفع تزاحم احکام شرعی مطرح شده «**قاعده اهم و مهم**» است که می‌تواند در این مقام نیز موثر باشد. باید توجه داشت هرچند علم اصول برای استنباط احکام شرعی شهرت یافته، اما حقیقت آن است که این علم به طور کلی قواعد استنباط حکم را در اختیار می‌گذارد؛ اعم از حکم فقهی یا حکم اخلاقی. بنابراین می‌توان از برخی قواعد علم اصول برای استنباط احکام اخلاقی بهره برد.

بر اساس قاعده اهم و مهم، هر گاه بین دو حکم واجب، تزاحم باشد در صورتی که یکی از دو طرف بر اساس دلایل عقلی یا نقلی اهمیت بیشتری داشته باشد بر دیگری مقدم می‌شود؛ اما در صورت تساوی، مکلف در امثال هر یک از آنها مخیر است. (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۶ق: ۷۶۹/۲؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق: ۴۴۰ و ۴۴۱؛ صدر، ۱۴۱۸ق: ۲۲۰/۲) مثل آن که دو نفر در حال غرق شدن باشند و مکلف فقط قادر به نجات یکی از آنان باشد؛ حال در صورتی که یکی از دو نفر، پدر نجات دهنده و دیگری فردی بیگانه باشد، نجات پدر مقدم است؛ ولی هر گاه هر دو بیگانه باشند، وی در نجات دادن هر یک از آنها مخیر است.

اکنون با در اختیار داشتن قاعده اهم و مهم که یک حکم عقلایی است می‌توان به ارزیابی دو دیدگاه در چالش اخلاقی حاضر پرداخت. از آنجا که هر دیدگاه طرفدار یک جهت چالش است تشخیص طرف اهم، درستی و نادرستی دیدگاه‌ها را مشخص می‌کند.

در دیدگاه اول که حفظ صلح‌رحم ترجیح داده شده است از طریق ادله درون‌دینی اعم از آیات، روایات و فتوای فقها، ثابت می‌شود که قطع‌رحم از گناهان کبیره و یکی از مصادیق زیر پا گذاشتن دستورات دین است. از آنجا که رفتار کردن بر خلاف دستورات دین از نظر اخلاق بندگی کار نادرستی است؛ پس قطع‌رحم اخلاقاً خطاست. همچنین از طریق یافته‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به دست می‌آید که قطع‌رحم به ضرر انسان است. بر اساس اخلاق فردی، اگر انسان

کاری کند که به خود ضرر برساند عمل نادرستی انجام داده است. بنابراین، قطع رحم از نظر ادله برون دینی هم خطا و نادرست است.

درمقابل، دیدگاه دوم که ترک مجلس گناه را دارای اولویت می‌داند با تکیه بر استدلال درون دینی شامل آیات و روایات و فتوای فقها بیان می‌دارد که در دین اسلام حضور در مجلس گناه به شدت مورد نهی است. از طرفی، بر اساس اخلاق بندگی باید از دستورات دین پیروی شود. بنابراین، حضور در مجلس گناه از نظر اخلاقی کار نادرستی است و باید از آن پرهیز کرد. همچنین با استفاده از استدلال برون دینی هم ثابت می‌کند که شرکت در مجالس گناه به دلیل تأثیر مخربی که بر زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد از مصادیق ضرر به انسان بوده و حضور در آن از نظر اخلاقی خطاست.

با بررسی دیدگاه‌ها مشاهده می‌شود که هر دو نظر از استدلال‌های صحیح با مقدمات و نتایج صادق و متقن برخوردارند و از این جهت با هم برابری می‌کنند. طبق قاعده اهم و مهم طبیعتاً در این مرحله نوبت به حکم تخییر می‌رسد؛ اما در مسئله حاضر نکته‌ای وجود دارد که از انتقال به حکم تخییر بین حفظ صلہ رحم و ترک مجلس گناه جلوگیری می‌کند. آن نکته این است که در برداشتهای صورت گرفته از استدلال‌ها، بدون این که نگاه جامعی وجود داشته باشد یک حکم کلی صادر شده است. این مسئله سبب شده است به رغم صحت استدلال، تعارض همچنان باقی بماند. برای مثال، در دیدگاه ترجیح حفظ صلہ رحم بر ترک مجلس گناه، نتیجه استدلال‌ها این است که قطع رحم اخلاقاً خطاست. این یک نتیجه درست است؛ اما نباید به صورت مطلق از آن برداشت کرد که صلہ رحم بر همه چیز ترجیح دارد. در دیدگاه دوم نیز، به صرف دستیابی به این نتیجه که حضور در مجلس گناه اخلاقاً خطاست نمی‌توان برداشت کرد که این حکم اطلاق دارد و هیچ‌گاه استثناء نمی‌پذیرد.

در چالش حاضر، برای داشتن نگاه جامع و رسیدن به حکم صحیح ابتدا باید شرایط تعارض تحلیل شود و وضعیت‌های مفروض احصاء گردد تا بتوان در هر وضعیت، طرف اهم را تشخیص و برای هر وضعیت، حکم و راهکار مناسب را صادر کرد. این مسئله ما را به دیدگاه سومی رهنمون می‌سازد که با بهره‌گیری از استدلال‌های هر دو طرف، متناسب با وضعیت‌های مفروض، راهکارهای ویژه‌ای برای حل تعارض ارائه می‌دهد. در ادامه با بیان فرض‌های متعدد، حکم اخلاقی (نه فقهی) مسئله را ارائه خواهیم کرد.

## ۵. دیدگاه مختار: تفصیل حکم بر اساس تحلیل وضعیت‌های مفروض

تا اینجا به دست آمد که با توجه به رویکرد دین مبنی بر حفظ حرمت‌های الهی و تأکید شدید بر اجتناب از نزدیک شدن به محرمات، به نظر می‌رسد صلہ رحم به تنهایی مجوزی برای شرکت در مجلس گناه نیست. با این وجود، سفارش‌های مکرر و سنگین در مورد حفظ روابط خانوادگی باعث می‌شود نتوانیم به راحتی به گزینه قطع روابط بیندیشیم. بنابراین، به نظر می‌رسد بهترین راه برون‌رفت از این چالش، تحلیل دقیق شرایط تعارض و استخراج حالات مفروض در آن است تا بتوان پاسخ مناسب را برای هر حالت ارائه کرد. در این دیدگاه، هیچ یک از دو طرف تعارض، یعنی حفظ صلہ رحم و ترک مجلس گناه کنار گذاشته نمی‌شود؛ بلکه متناسب با هر موقعیت باید تصمیم گرفت که کدام ترجیح می‌یابد. بنابراین، تمام استدلال‌هایی که برای دیدگاه‌های اول و دوم بیان شد می‌تواند به عنوان استدلال‌های دیدگاه مختار برای اثبات اهمیت صلہ رحم و ترک مجلس گناه لحاظ شود.

برای تبیین دقیق دیدگاه مختار لازم است ابتدا موقعیت فرد در مجالس گناه را بر اساس چهار مؤلفه اصلی، یعنی به لحاظ آگاهی از وقوع گناه، توانایی برای مقابله با گناه، شرایط محل برگزاری مجلس و نوع گناه بررسی کنیم. در نهایت، حالات مفروض از ترکیب این موقعیت‌ها را مطرح و راهکارهای پیشنهادی را ارائه خواهیم کرد.

### ۱-۵. بررسی وضعیت‌های مفروض در چالش صلہ رحم و ترک مجلس گناه

برای احصاء شرایطی که فرد در مواجهه با مجلس گناه با آنها روبرو می‌شود چهار مؤلفه اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد. این مؤلفه‌ها عبارتند از: آگاهی از وقوع گناه، توانایی فرد در مقابله با گناه، نوع گناه، ویژگی‌های محیطی مجلس گناه. چگونگی هر یک از این مؤلفه‌ها در ایجاد شرایط متفاوت برای فردی که به مجلس گناه دعوت شده دخیل است.

#### الف) به لحاظ آگاهی از وقوع گناه

گاهی فرد پیش از برگزار شدن مجلس می‌داند که در آن مجلس گناه رخ خواهد داد و گاهی تا زمان ورود به مجلس، از وقوع گناه در آن بی‌خبر است.



**ب) به لحاظ توانایی برای جلوگیری از گناه**

گاهی فردی که به مجلس دعوت شده توانایی جلوگیری از وقوع گناه را دارد؛ مثلاً دارای نفوذ کلام و جایگاه قابل توجه در فامیل است. گاهی هم توانایی جلوگیری از وقوع گناه را ندارد.

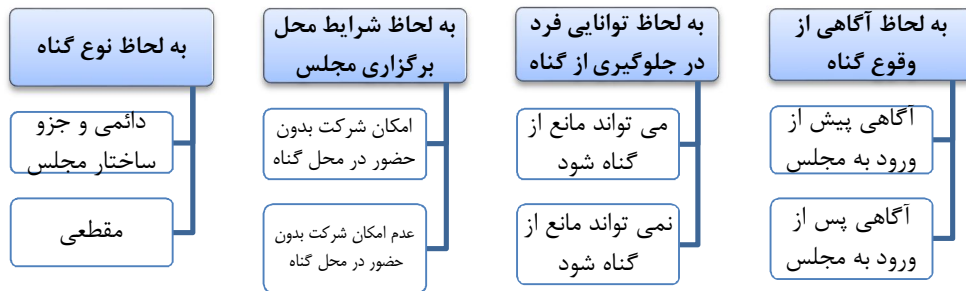
**ج) به لحاظ شرایط محل برگزاری مجلس**

گاهی محل برگزاری مجلس، به گونه‌ایست که فرد بدون حضور در مکان وقوع گناه می‌تواند از آن دور بماند و ضمن حضور در مهمانی، جزء شرکت‌کنندگان در مجلس گناه و تأییدکنندگان آن مجلس محسوب نشود. برای مثال، تالار یا منزل دارای بخش‌های مختلفی است و فقط در بخشی از آن افراد مشغول گناه هستند. گاهی در محل برگزاری مجلس چنین امکانی وجود ندارد.

**د) به لحاظ نوع گناه**

گاهی آن گناهی که در مجلس رخ می‌دهد دائمی نبوده و به صورت مقطعی اتفاق می‌افتد؛ برای مثال، پخش موسیقی حرام و رقص در ساعاتی صورت گرفته و در مواقعی مثل صرف شام قطع می‌شود. گاهی نیز گناه مقطعی نبوده و به طور کلی، ساختار مجلس بر پایه حرام است؛ برای مثال، مجلس به صورت مختلط بین زن و مرد برگزار می‌شود یا مشروبات الکلی به عنوان یکی از اقلام پذیرایی در مجلس وجود دارد.

نمودار (۱): مؤلفه‌های چهارگانه بررسی موقعیت فرد در برابر مجلس گناه



## ۲-۵. ارائه راهکار برای وضعیت‌های مفروض

با ترکیب جهات چهارگانه‌ای که برای بررسی موقعیت فرد در مجلس گناه بیان شد فرض‌های مختلفی به دست می‌آید که هر یک راهکار اخلاقی مستقلی دارد. در ادامه، ضمن بررسی این موقعیت‌ها، راهکارهای پیشنهادی ارائه خواهد شد. باید توجه داشت همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد رویکرد ما در مواجهه با مسئله حاضر، رویکرد اسلامی است؛ لذا ممکن است در اغلب موارد، احکام اخلاقی همسو با احکام شرعی باشد. بدین ترتیب، فاعل اخلاقی با عمل به حکم شرعی، به حکم اخلاقی نیز عمل کرده است.

### وضعیت مفروض اول

اگر پیش از ورود به مجلس می‌داند که گناه رخ خواهد داد و او توانایی جلوگیری از وقوع گناه را دارد، تکلیف اخلاقی آن است که در مجلس شرکت کند و مانع از گناه شود.

### وضعیت مفروض دوم

اگر پیش از ورود به مجلس می‌داند که گناه رخ خواهد داد و او توانایی جلوگیری از وقوع گناه را ندارد، در اینجا دو حالت قابل فرض است:

اول) اگر محل برگزاری مجلس به گونه‌ایست که می‌تواند ضمن شرکت در مهمانی، در محل وقوع گناه حضور نیابد و ورودش به مجلس نیز تأیید آن گناه محسوب نشود، شرکت در مجلس اشکال ندارد.

دوم) اگر امکان شرکت در مهمانی بدون حضور در محل وقوع گناه فراهم نیست، در اینجا نیز دو وضعیت قابل فرض است:

الف) گناهی که رخ می‌دهد دائمی بوده و جزو ساختار مجلس است؛ در این صورت حضور در مجلس اخلاقاً جایز نیست.

ب) گناهی که رخ می‌دهد موقتی بوده و در مواقعی از مجلس این گناه رخ نمی‌دهد؛ در این صورت باید حضور خود را در مجلس به گونه‌ای تنظیم کند که در مواقع عدم وقوع گناه باشد.

### وضعیت مفروض سوم

پیش از ورود به مجلس از وقوع گناه مطلع نبوده است و بعد از آن متوجه می‌شود. در این شرایط اگر می‌تواند مانع از وقوع گناه شود باید در مجلس بماند و جلوی ارتکاب گناه را بگیرد.

### وضعیت مفروض چهارم

پیش از ورود به مجلس از وقوع گناه مطلع نبوده و بعد از آن متوجه می‌شود. اگر نمی‌تواند مانع از گناه شود دو حالت مفروض است:

اول) اگر مکان برگزاری مجلس به گونه‌ای است که می‌تواند ضمن شرکت در مهمانی، در محل وقوع گناه حضور نیابد و ماندنش در مجلس نیز تأیید آن گناه محسوب نشود، ماندن در مجلس اشکال ندارد.

دوم) اگر شرکت در مهمانی بدون حضور در محل وقوع گناه ممکن نیست در اینجا نیز دو وضعیت قابل فرض است:

الف) گناهی که رخ می‌دهد دائمی بوده و جزو ساختار مجلس است؛ در این صورت حضور در مجلس صحیح نیست و باید مجلس را ترک کند.

ب) گناهی که رخ می‌دهد موقتی بوده و در مواقعی از مجلس این گناه رخ نمی‌دهد در این صورت می‌تواند به بهانه‌ای مجلس را ترک کرده و در مواقع عدم وقوع گناه باز گردد.

جدول (۲): فرض‌های چهارگانه وضعیت فاعل اخلاقی در مواجهه با مجلس گناه و

راهکارهای آنها

وضعیت فاعل اخلاقی	به لحاظ آگاهی از وقوع گناه	به لحاظ توانایی فرد در جلوگیری از گناه	به لحاظ شرایط محل برگزاری مجلس	به لحاظ نوع گناه	حکم اخلاقی
فرض اول	آگاهی پیش از ورود به مجلس	می‌تواند مانع از گناه شود	-	-	حضور در مجلس و جلوگیری از گناه
فرض دوم	آگاهی پیش از ورود به مجلس	نمی‌تواند مانع از گناه شود	امکان شرکت بدون حضور در محل گناه	-	حضور در مجلس

عدم حضور در مجلس	دائمی و جزو ساختار مجلس	عدم امکان شرکت بدون حضور در محل گناه			
حضور در مواقع عدم وقوع گناه	مقطعی				
ماندن در مجلس و جلوگیری از گناه	-	-	می تواند مانع از گناه شود	آگاهی پس از ورود به مجلس	فرض سوم
ماندن در مجلس	-	امکان شرکت بدون حضور در محل گناه	نمی تواند مانع از گناه شود	آگاهی پس از ورود به مجلس	فرض چهارم
ترک مجلس	دائمی و جزو ساختار مجلس	عدم امکان شرکت بدون حضور در محل گناه			
ترک مجلس هنگام گناه و بازگشت در مواقع عدم گناه	مقطعی				

### ۳-۵. ملاحظات کلیدی درباره راهکارها

اول) همان‌طور که در استدلال‌های دیدگاه اول مشاهده شد صله‌رحم از اهمیت بالایی برخوردار است و تا حد امکان باید از قطع روابط خویشاوندی جلوگیری کرد. با توجه به این مسئله، در مواردی که فرض بر توانایی فرد برای جلوگیری از وقوع گناه در مجالس مهمانی اقوام است باید این اقدام بسیار با ملایمت و به‌گونه‌ای صورت گیرد که زمینه ناراحتی و بی‌احترامی به اقوام و قطع‌رحم فراهم نشود. در صورتی هم که قطع روابط از سوی اقوام صورت گرفت، فرد باید ارتباط خود را حفظ کند.

دوم) در مواردی که شرکت در مجلس گناه جایز نیست و تکلیف شرعی و اخلاقی، فاعل اخلاقی را ملزم به ترک مجلس گناه می‌کند می‌توان از راهکارهایی استفاده کرد که روابط

خویشاوندی را خدشه دار نسازد. برای مثال، فرد برای صلہ رحم و احترام به شخص مقابل می‌تواند قبل یا بعد از مجلس به منزل میزبان برود و یا در ابتدای مجلس که هنوز به گناه آلوده نشده، قدری بنشیند و قبل از اینکه گناه آغاز شود، محل را ترک کند. همچنین اگر صاحبان مجلس ظرفیت پذیرش سخن منطقی را دارند می‌توان با تبیین علت عدم شرکت در مجلس و لزوم پیروی از احکام شرعی، محذورات خود را در این رابطه بیان داشت. حتی می‌توان مسافرت‌هایی را هم‌زمان با مجلس مورد نظر ترتیب داد تا به بهانه سفر از حضور در آن پرهیز کرد. به هر حال، هر فاعل اخلاقی متناسب با ویژگی‌های اقوام و شرایط خود باید خلاقیت به خرج داده و به دنبال راهکارهایی باشد که عمل به این تکلیف شرعی و اخلاقی، با کم‌ترین ناراحتی و دلخوری محقق شود.

سوم) نباید تصور شود که صلہ رحم فقط منحصر به رفت و آمد است و اگر ترک مجلس گناه منجر به قطع رفت و آمد شد قطع رحم رخ داده است. چنان‌که در روایات آمده صلہ رحم راه‌های مختلفی دارد و حتی با سلام کردن، دادن یک لیوان آب و خودداری از آزار اقوام نیز صلہ رحم محقق می‌شود. (ر.ک: صدوق، ۲: ۱۳۶۲/۶۱۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۱/۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۲/۹۹) با این حساب، در بسیاری موارد، عملاً تعارض بین ترک مجلس گناه و قطع رحم رخ نمی‌دهد؛ زیرا امکان حفظ صلہ رحم با کم‌ترین شرایط نیز فراهم است.

## نتیجه‌گیری

امروزه گسترش روزافزون گناه در مجالس مهمانی، یک واقعیت تلخ اجتماعی در جوامع مسلمان است. زمانی که این مجالس از جانب اقوام برگزار شود افراد متدین را با یک چالش اخلاقی بزرگ مواجه می‌کند. به دلیل اهمیت روابط خویشاوندی در جامعه ایران، حضور نیافتن در این مجالس یا ترک آن ممکن است منجر به قطع روابط خانوادگی شود. بنابراین، فرد در یک دوراهی بین حفظ صلہ رحم و ترک مجلس گناه قرار می‌گیرد. در مواجهه با این چالش، دو دیدگاه وجود دارد: نخست ترجیح حفظ صلہ رحم بر ترک مجلس گناه و دوم، ترجیح ترک مجلس گناه بر حفظ صلہ رحم. هر یک از دو دیدگاه ادله درون‌دینی و برون‌دینی محکمی ارائه کرده‌اند که در جای خود صحیح و متقن است و همین امر موجب می‌گردد تعارض همچنان باقی بماند. راه حل

پیشنهادی برای برون‌رفت از این چالش، تحلیل وضعیت و تفصیل حکم است. به این معنا که ابتدا، حالات محتمل در شرایط تعارض را استخراج، سپس، حکم اخلاقی هر وضعیت، متناسب با شرایط ویژه آن تعیین شود. بنابراین، هیچ یک از دو دیدگاه، یعنی حفظ صلح‌رحم و ترک مجلس گناه به طور کامل کنار گذاشته نمی‌شوند؛ بلکه با توجه به تمام جوانب در هر وضعیت، تصمیم‌گیری لازم صورت می‌گیرد.

همان‌طور که در بررسی دیدگاه‌ها مشاهده شد گاهی ممکن است استدلال‌های اخلاقی در یک دیدگاه، دارای مقدمات متقن و نتایج صحیح باشد؛ اما این برای صدور حکم اخلاقی کافی نیست. در تعارض‌های اخلاقی، در نظر گرفتن همه جوانب مسئله و بررسی حالات محتمل در آنها بسیار حائز اهمیت است. این مسئله بار دیگر به ما یادآور می‌شود که در صدور احکام اخلاقی، خصوصاً در شرایط تعارض میان دو حکم، دقت و تأمل زیادی لازم است و نمی‌توان تنها با تکیه بر استدلال، یک حکم کلی صادر کرد.

نتیجه دیگری که می‌توان به دست آورد آن است که در تعارض‌های اخلاقی، نباید توانایی افراد را در تغییر شرایط موجود نادیده گرفت. به عبارت دیگر، گاهی می‌توان به جای انتخاب یکی از دو طرف تعارض، با ایجاد کمی تغییر، وضعیت تعارض را برطرف کرد. بنابراین، توجه به نقش فاعل اخلاقی در حل تعارض، مؤلفه مهمی است که باید در صدور احکام اخلاقی مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۳)؛ قم، دارالقرآن‌الکریم، چ دوم.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم، *کفایه الاصول*، چ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- ارگانی حائری، محمود (۱۳۷۶)؛ *صله ارحام در اسلام*، چ اول، قم، نشر پیام مهدی (عج).
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۶ق)؛ *فرائد الاصول*، چ پنجم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

- بوسلیکی، حسن (۱۳۹۱)؛ *تعارض اخلاقی و دانش اصول فقه*، چ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بهجت، محمدتقی (۱۴۲۸ق)؛ *استفتاءات*، چ اول، قم، دفتر حضرت آیت الله بهجت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)؛ *تفصیل وسائل الشیعه*، چ اول، قم، آل البیت لاحیاء التراث.
- خارستانی، اسماعیل و سیفی، فاطمه (۱۳۹۳)؛ «*نقش صلہ رحم در تحکیم خانواده و دوری از آسیب های اجتماعی برمبنای سیره و اندیشه های اهل بیت علیهم السلام*»، پژوهش های اجتماعی اسلامی، ش ۱۰۰، ص ۱۷۱ - ۱۵۱، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.
- خامنه ای، سید علی (۱۴۲۴ق)؛ *اجوبه الاستفتائات*، چ اول، قم، دفتر مقام معظم رهبری.
- خمینی، امام روح الله، بی تا، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- دیماتنو، ام. رابین (۱۳۸۷)؛ *روان شناسی سلامت*، ترجمه سید مهدی موسوی اصل و همکاران، چ اول، تهران، سمت.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۰)؛ *سیمای انسان کامل در قرآن*، چ دوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- شرف الدین، سید حسین (۱۳۸۶)؛ *تحلیلی اجتماعی از صلہ رحم*، چ دوم، قم، بوستان کتاب.
- صابر خراسانی، مرتضی (۱۳۸۲)؛ *صلہ رحم یا پیوند خویشاوندی*، چ سوم، قم، در راه حق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۷ق)؛ *جامع الأحکام*، چ چهارم، قم، انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها.
- صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۷ق)؛ *بحوث فی علم الأصول*، چ سوم، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.

- (۱۴۱۸ق)؛ *دروس فی علم الاصول*، چینجم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲)؛ *الخصال*، چ اول، قم، جامعه مدرسین.
- صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۸۸)؛ «*صله رحم و کارآمدی خانواده*»، مطالعات فقه تربیتی، ش ۹، سال چهارم، جامعه المصطفی (ص)، قم، صص ۱۵۵ تا ۱۶۶.
- طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ق، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، چ دوم، نجف، المكتبه الحیدریه.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)؛ *الامالی*، چ اول، قم، دارالثقافه.
- عدل، اکبر، صدرالسادات، سیدجلال، بیگلریان، اکبر و جوادی، محمدرضا (۱۳۸۳)؛ «*تأثیر همنشینی و معاشرت با گروه هنجارشکن و گرایش جوانان به اعتیاد*»، رفاه اجتماعی، ش ۱۵، دوره چهارم، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، صص ۵۰۸ تا ۴۸۷.
- عضدانلو، حمید (۱۳۹۵)؛ *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، چ پنجم، تهران، نشر نی.
- غباری بناب، باقر، فقیهی، علی نقی و قاسمی پور، یدالله (۱۳۸۶)؛ «*آثار صله رحم از دیدگاه اسلام و روانشناسی و کاربردهای تربیتی آن*»، *تربیت اسلامی*، ش ۵، سال سوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، صص ۱۱۴ - ۸۱.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۷ق)؛ *المحججه البیضاء*، چ چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)؛ *الکافی*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)؛ *بحار الأنوار*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.



- محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۷۹)؛ «پرهیز شدید از گواهی دروغ و شرکت در مجلس گناه»، ماهنامه پاسدار اسلام، دوره ۱۳۷۹، ش ۲۲۹، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)؛ *استفتائات جدید*، چ اول، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- موسوی گلپایگانی، سیدمحمد رضا (۱۴۰۹ق)؛ *مجمع المسائل*، چ دوم، قم، دار القرآن الکریم.
- مهدوی کنی، محمد رضا (۱۳۷۱)؛ *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*، چ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نائینی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)؛ *فوائد الأصول*، چ ششم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- نراقی، ملامهدی [ابی‌تا]؛ *جامع السعادات*، چ چهارم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- واحدی، سیدمحمد رضا (۱۳۹۲)؛ *بررسی فقهی صلہ رحم و قطع آن*، چ اول، تهران، خرسندی.
- Bassuk, Ellen L. Perloff, Jennifer N. Mickelson, Kristin D. (2002), "Role of Kin and Nonkin Support in the Mental Health of Low Income Women", *American Journal of Orthopsychiatry*, Vol. 72, No. 1, pp. 39 – 49.
- Dressler, William W. (1985), "Extended Family Relationships, Social Support, and Mental Health in a Southern Black Community", *Journal of Health and Social Behavior*, Vol. 26, No. 1, pp. 39-48.
- Escalas, Jennifer E. Bettman, James R. (2003), "You Are What They Eat: The Influence of Reference Groups on Consumers' Connections to Brands", *Journal of Consumer Psychology*, Vol. 13, No. 3, pp339-348.

- Hall, J. Camille (2007), "Kinship Ties: Attachment Relationships that Promote Resilience in African American Adult Children of Alcoholics", *Advances in Social Work*, Vol. 8, No. 1, pp4 – 30.
- Jackson, Jack T.C.B (2015); The Institution of the Family, Marriage, Kinship and Descent. In Abasi-Ekong Edet (ed.); Selected Topics in Nigeria Peoples and Culture. Benin City, Dimaf Publishers.
- Kemper, Theodore D. (1968), "Reference Groups, Socialization and Achievement", *American Sociological Review*, Vol. 33, No. 1, pp. 31-45.
- Terry, Deborah j. Hogg, Michael A. (1996), "Group Norms and the Attitude-Behavior Relationship: A Role for Group Identification", *Personality and Social Psychology Bulletin*, Vol. 22, no. 8, pp 776-793.